

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دعوت به اسلام به شکل نامشخص و عام

(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

ما در کتاب تکتل در آخر صفحه 4 می‌گوییم: «پیروان حرکات اسلامی به اسلام به شکل نامشخص و عام دعوت می‌دادند و...» سوال این است:

أ- دعوت به اسلام به شکل نامشخص و عام به چه معنی است؟ این عمل را چگونه با مثال‌ها توضیح داده می‌توانیم؟

ب- به عدم جواز دعوت حرکات اسلامی به شکل نامشخص و عام، چه دلایلی وجود دارد؟

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

دعوت به شکل نامشخص و عام به این معنی است که خوب متبلور و تعریف شده که طبیعتاً مانع از ورود غیرمی‌شود، نباشد، بلکه دروازه‌هایش باز بوده و افکار اجنبی به دلیل عدم مخالفت یا مصلحت و امثال آن، در آن رخنه کند.

پس شخصی که نزد وی فکره دعوت متبلور و مفاهیم‌اش واضح و اهدافش تعریف شده نباشد، وی کفری بودن نظام دموکراسی را هرگز درک نخواهد کرد، و هیچگاه درک نخواهد کرد که نظام اشتراکی از اسلام نیست و معصیت بودن تقنین از طرف پارلمان را هرگز درک نخواهد کرد. هم چنان درک نخواهد کرد که گرفتن کدام بخش علوم و صنعت از کفار جایز است و کدام قسمت آن ناجایز؛ مانند فرهنگ و مفاهیم زندگی... گاهی این طور می‌شود که این شخص نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، چون به اسلام به شکل نامشخص دعوت می‌دهد. این چیز است که امت در اواخر دولت دچارش شده بود و عدم تفکیک علمای مسلمان آن زمان، میان علموی که گرفتنش از غرب جایز است، از قبیل صنعت و اختراعات و میان اشیایی که جایز نیست مانند مفاهیم زندگی به وضوح محسوس بود. بارزترین مثالش گروه حامل فکره توافق بین غرب و اسلام در ثقافت و علوم، در حضارت (فرهنگ) و مدنیت (تمدن) بود. این‌ها به نام علمای نهضت، یا علمای اصلاح و یا هم علمای معاصر مشهور شده بودند. مفهوم "اسلام نامشخص" از همین علماء برخاست، که دروازه فهم اسلام را به دو طرف باز کرد و چیزی که از اسلام نبود، در اسلام داخل شد و قواعد شرعی به عوض این که ضوابط فهم و مانع از خروج از شرع شود، خود کلید بازگشایی این دروازه شد و اسلام نزد آنان بخاطر تطابق به جامعه موجود و فکر غالب طوری تفسیر شد که نصوص اسلامی احتمالش را نداشت که نتیجه‌اش نشأت قواعد کلی بود که فاقد سند شرعی بوده و با نظریات آتی هم‌خوانی داشت:

مثل این که "تغییر احکام در صورت تغییر زمان و مکان قابل انکار نیست" و "عادت محکمه است" و "آنچه را مسلمانان نیک پندارند او نزد الله نیک است"... و بسیاری نصوص را طوری تفسیر نمودند که هدف اصلی، معطل قراردادن آن بود، مانند این قول که جهاد دفاعی است و تعدد ازواج تنها در شرایط خاصی درست است.

این بود نمونه‌ای از دعوت به شکل نامشخص و اما "عام" اینست که دعوت به عموم اسلام بدون تشریح و تفصیل معالجات و بدون توضیح راه‌حل‌های آن صورت گیرد، به گونه‌ی مثال گفته شود "تنها اسلام راه‌حل است"، "تنها اسلام پیروزی هردوجهان را تضمین می‌کند"، "اسلام بهترین نظام است" و امثال این. اگر از خط مشی اسلام در قبال نظام زندگی بپرسی، سکوت قایل می‌کند، و اگر از دولت اسلامی که نظام‌هایش را تطبیق می‌کند، سوال کنی سکوت می‌کند، و اگر از چگونگی تغییر نظام‌های فعلی به طرف نظام اسلام سوال کنی، مضطرب شده و دور و برش را نگاه می‌کند. این برای آنست که اگر از تو فاصله نگیری، بخاطر یافتن سلامتی از باد پیشی می‌گیرد. اما این که به عدم جواز دعوت به اسلام به شکل نامشخص و عام چی دلیلی وجود دارد؛ این برگرفته است از کتاب الله و سنت رسول الله است، چنان که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: 19]

ترجمه: بی‌گمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه الله اسلام است.

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ [آل عمران: 85]

ترجمه: و کسی که غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود.

و هم چنان الله سبحانه و تعالی آیات حکم، اقتصاد، روابط زناشویی، عدم دوستی با کفار، رجم نمودن زانی و قطع دست دزد را نازل کرده است، و باز نظام‌های اسلام را منحیث نظام‌های متمایز و جدا از غیر معرفی نموده و فرموده است:

﴿حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ [آل عمران: 179]

ترجمه: تا ناپاک را از پاک تمییز کند.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [جاثیه: 18]

ترجمه: سپس ما تو را بر آئین و راه روشنی از دین قرار دادیم. پس ازین آئین پیروی کن و بدین راه روشن برو و از هوا و هوس‌های کسانی پیروی مکن که آگاهی ندارند.

﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا﴾ [مائده: 48]

ترجمه: برای هرملت‌ی از شما راهی (برای رسیدن به حقایق) و برنامه‌ای (جهت بیان احکام) قرار داده ایم.

ازین نوع دلایل در کتاب الله و سنت رسول الله مثال‌های زیادی وجود دارد.

20 جماد الأولى 1430 هـ.ق.

16-5-2009

مترجم: محمد مسلم ثاقب